

بررسی تطبیقی خط نستعلیق ایرانی و خط بای بایین فیلبینی از لحاظ قدمت، نحوه شکل‌گیری و نگارش

تنیس تقوی^۱

چکیده

در سال‌های اخیر و با توجه به آشکار شدن نقش مهم خط و خوشنویسی در پیدایش و رشد فرهنگ و تمدن‌های گوناگون، محققان بسیاری به پژوهش در این حوزه علاقه‌مند شده‌اند. هدف مقاله پیش‌رو بررسی دو خط نستعلیق ایرانی و خط بای بایین فیلبینی بود تا علاوه بر ارائه تاریخی مختصر از این دو خط، نحوه پیدایش و اصول نگارشی آن‌ها بررسی گردد و مشخص شود که چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام شد. بررسی‌ها نشان داد که دو خط مذکور قدمت تقریباً یکسانی دارند، بدین‌صورت که اکثر محققان، تاریخ پیدایش خط نستعلیق را نیمه دوم قرن هشتم هجری (قرن پانزدهم میلادی) می‌دانند، هم‌چنین شواهد نشان می‌دهد که قدیمی‌ترین نسخه‌های خط بای بایین نیز متعلق به قرن پانزدهم میلادی و پیش از ورود اسپانیایی‌ها به فیلبین هستند. در رابطه با نحوه شکل‌گیری این دو خط هم مشخص شد که خط نستعلیق از ترکیب دو خط نسخ و تعلیق به وجود آمده است. حال آنکه خط بای بایین، در واقع برگرفته از خط برهمایی مربوط به شبه جزیره هند است. در خصوص شیوه نگارش این دو خط هم مشخص شد که خط نستعلیق از راست به چپ نوشته می‌شود و شامل چهار دسته کشیدگی‌ها، دوایر، نقطه‌ها و مفردات است، حال آنکه خط بای بایین از چپ به راست نوشته می‌شود و گاهی اوقات حتی در جهات مختلف قابل نوشتن است. خط بای بایین بدون نقطه است، اما از لحاظ دوایر و انحناهای حروف شباهت‌هایی با خط نستعلیق دارد. در واقع، تحلیل‌ها نشان داد که اقتدار در انحناها و کشیدگی‌ها بین دو خط نستعلیق و بای بایین بسیار شبیه است.

کلید واژه‌ها

خط نستعلیق، خوشنویسی، خط بای بایین فیلبینی، مطالعات میان‌فرهنگی

۱. دانشجوی دکتری مطالعات فرهنگی، دانشگاه USM مالزی

از دیرباز محققان متفق القول بیان داشته‌اند که اختراع خط یکی از اساسی‌ترین اختراعات بشری بوده و سرآغازی برای رشد تمدن انسانی محسوب می‌گردد (توسلی و خرمی، ۱۳۹۸: ۱۰۵). با این حال، در پژوهش‌های تاریخی آن چنان که باید و شاید به این مقوله پرداخته نشده است. خط و خوشنویسی یکی از راه‌های مفید برای شناخت تمدن و فرهنگ ملل مختلف محسوب می‌شوند. از اینرو، با بررسی تکوین و کتابت خطوط متفاوت می‌توان سیر تحول تمدن انسان را در طی اعصار و دوره‌های گوناگون مشخص نمود (الهیاری و عابدین‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۰). قاره آسیا به عنوان بزرگ‌ترین قاره دنیا، فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگونی را در خود جای داده است. سرزمین ما ایران که در جنوب غربی آسیا واقع شده در اعصار مختلف از لحاظ جایگاه هنری و به ویژه خوشنویسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است به حدی که هنر خطاطی و کتاب‌آرایی در قرن هفتم تا سیزدهم هجری در ایران آن‌چنان برجسته بود که تا هندوستان هم گسترش یافت (ذکرگو، ۱۳۸۴: ۱۱۷). برای مثال، خط نستعلیق که بنا به گفته اکثر محققان، یکی از نشانه‌های بارز سلیقه زیبایی‌شناسی ایرانیان است و عروس خطوط اسلامی تلقی می‌شود (مجنون رفیقی، ۱۳۷۲: ۱۹۸) در شبه جزیره هند نیز طرفداران زیادی داشته که منجر به ایجاد خط نستعلیق از نوع

هندی شده است که البته دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با نستعلیق ایرانی می‌باشد. از سویی دیگر، کشور فیلیپین که در آسیای شرقی قرار دارد نیز دارای نظام نوشتاری زبانی جامع اعم از دستور زبان و واژگان، گسترده است. در فیلیپین نوعی نظام نوشتاری به نام «خط بای بایین» وجود داشت که به دوره پیش از استعمار اسپانیا مربوط بود، البته از این خط برای ارتباطات فردی استفاده می‌شد و به منظور ثبت متون ادبی یا تاریخی به کار نمی‌رفت (Rodriguez, ۲۰۱۳: ۲). مبلغین مذهب کاتولیک که اسپانیایی بودند پس از

ورود به کشور فیلیپین، در سال‌های نخستین اعزام خود، خط بای بایین را حفظ کردند زیرا در سال‌های اولیه تبلیغ بسیار مفید بود، زیرا فیلیپینی‌ها قادر بودند دعاها را با خطی که برایشان قابل تشخیص بود بخوانند. اما مدتی بعد خط بای بایین منسوخ شد و اگرچه هنوز لغات و دستور زبان آن تشریح می‌شد، اما واقعیت این بود که فیلیپینی‌ها به خط لاتین روی آوردند، زیرا یادگیری و تدریس آن در مدارس آسان‌تر بود (Ibid, ۲۰۱۳: ۹). البته باید خاطر نشان کرد که بر خلاف باور عموم، مبلغان مذهبی با کپی کردن و توضیح قواعد این خط در کتاب‌های خود تلاش کردند تا به ابقای این خط کمک کنند.

نکته حائز اهمیت این است که در سال‌های اخیر و با گسترش روابط فرهنگی بین ایران و فیلیپین، شاهد علاقه‌مندی هنرمندان

فیلیپینی به هنر خوشنویسی ایرانی بوده‌ایم، همچنین هنرمندان فعال در حوزه خوشنویسی در فیلیپین به دنبال احیای خط بای باین بوده‌اند. نگارنده این مقاله که خود مدتی مسئولیت انجمن خوشنویسان ایرانی در مانیل پایتخت کشور فیلیپین را بر عهده داشته، کارگاه‌های خوشنویسی متعددی را در فیلیپین برگزار کرده و در خلال همین کارگاه‌ها به شباهت‌های ظاهری دو خط مذکور از لحاظ پیچش و انحنا پی برده و همچنین دریافته که علی‌رغم دین، زبان و فرهنگ غیر مشترک، می‌توان کارهای هنری مشترکی را صورت داد. از این رو مقاله پیش رو، قصد دارد تا با ارائه پیشینه‌ای از دو خط نستعلیق ایرانی و بای باین فیلیپینی کشف کند که چه اشتراکات و افتراق‌هایی میان این دو خط مذکور وجود دارد تا در نتیجه به تعمیق روابط فرهنگی و هنری میان این دو کشور کمکی کند. این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی از نوع مقایسه‌ای بهره می‌گیرد. اطلاعات مورد نیاز برای نگارش مقاله از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به دست آمده است. در این مقاله ابتدا پیشینه‌ای از خط نستعلیق و خط بای باین ارائه می‌شود. سپس، مقایسه‌ای در خصوص قدمت و نحوه شکل‌گیری این دو خط صورت می‌گیرد. پس از آن، با استفاده از تحلیل عقلی و یافته‌های شخصی نگارنده، با ارائه تصاویر مربوط به شیوه نگارش و شکل ظاهری این دو خط، مقایسه‌ای بین آن‌ها

صورت می‌گیرد. در این پژوهش، رسم‌الخط میرعلی تبریزی بر اساس حسن تشکیل به عنوان مبنای تحلیل خط نستعلیق ایرانی در نظر گرفته شده است. دلیل این امر آن بوده که اکثر قریب به اتفاق محققان، میرعلی تبریزی را فردی می‌دانند که به خط نستعلیق قواعد بخشیده است.

... خط نستعلیق

خط نستعلیق در نیمه دوم قرن هشتم هجری و در عهد تیموریان پدید آمد. این خط دومین خط خاص و ویژه ایرانیان به شمار می‌رود. جباری در پژوهش خود عنوان کرده است که خط نستعلیق در قرن هشتم هجری و در نتیجه تلفیق خط نسخ و خط تعلیق به شکل رسمی رواج پیدا کرد. این خط ابتدا در شیراز و سپس در تبریز گسترش پیدا کرد و پس از مدت کوتاهی به هرات و بغداد رسید که در آن زمان از مراکز ادبی و هنری مهم به شمار می‌رفتند. (جباری، ۱۳۸۶: ۸۳)

کاسپور و چارئی نیز عنوان کردند که واژه نستعلیق از ترکیب دو واژه نسخ و تعلیق پدید آمده و در بردارنده دو معنا است یعنی پس از پیدایش خط نستعلیق، خط تعلیق منسوخ شده و همچنین خط نستعلیق، ترکیبی از خطوط نسخ و تعلیق است. (کاسپور، چارئی، ۱۳۹۸: ۱۱۵)

خط نستعلیق یکی از نمادهای اساسی هنر خوشنویسی در ایران است و نزد ایرانیان از محبوبیت زیادی برخوردار است (فضایلی، ۱۳۸۷: ۶۸).

زعیمی اظهار داشته که خط نستعلیق یکی از زیباترین هنرها محسوب می‌شود و دارای ۱۲ قاعده خوشنویسی است که عبارت‌اند از: «ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود و نزول مجازی، اصول، صفا و شان». به زعم او، میرعلی تبریزی نخستین فردی بود که قاعده و اصولی را برای خط نستعلیق وضع کرد (زعیمی، ۱۳۵۶: ۳۶).

توسلی و خرمی بیان کردند که خط نستعلیق در قرون آغازین پیدایش خود با دو سبک شرقی و غربی رواج یافت. دلیل نام‌گذاری این دو سبک به شرقی و غربی این بود که در دوره تیموریان، کشور ایران به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد و سه تن به نام‌های سلطان محمد نور، میرعلی هروی و سلطان علی مشهدی از برجسته‌ترین خوش‌نویسان خط نستعلیق بودند که از سبک شرقی بهره می‌بردند. از جمله افرادی که از سبک غربی استفاده می‌کردند می‌توان به افرادی نظیر عبدالرحیم خوارزمی، و عبدالرحمان خوارزمی اشاره نمود (توسلی، خرمی، ۱۳۹۸: ۱۰۵).

خط نستعلیق از آغاز پیدایش تاکنون برای نوشتن متون ادبی و غیر مذهبی استفاده شده و متن‌های مذهبی به ندرت با استفاده از این خط نوشته شده‌اند.

... خط «بای باین»^۲

بای باین یکی از الفباهای هجایی متعلق به بخش جنوب شرقی آسیا (اینسولیندیا)^۳ است.

چند دهه پس از فتح فیلیپین (منطقه سبو ۱۵۶۵م، مانیل ۱۵۷۱م)، اسپانیایی‌ها کشف کردند که چندین قوم در فیلیپین دارای نظام نوشتاری ساده‌ای بودند. نوعی قصارنویسی که امکان به نمایش گذاشتن کامل زبان‌شان را فراهم نمی‌کرد اما تقریباً برای رفع نیازهای جوامع کوچک آن‌ها کافی بود (Potet, ۲۰۱۹: ۱۸).

یک نظریه مشهور در خصوص منشأ خطوط اینسولیندیایی وجود دارد، آن هم اینکه این خط‌ها از بازرگانان هندی قرض گرفته شده‌اند و توسط مردمان بومی به طرز قابل توجهی ساده‌سازی شده‌اند. به علاوه، تصور می‌شود که خط برهمایی^۴، که به عنوان نیای خطوط هجایی در هندوستان محسوب می‌شود، از یک خط شکسته آوایی هیروگلیفی^۵ از مصر باستان منشعب شده باشد، هم چنین احتمالاً نیای خط فنیقی یونان، خطوط عربی و عبری بوده است از این رو، شباهت‌های قابل توجهی بین این خط و خط یونانی، و ناگاری هندی وجود دارد (Ibid, ۲۰۱۹: ۱۹).

دین پائول آر ورزوسا^۶ از دانشکده فلسفه و ادبیات دانشگاه مانیل، تا پیش از شروع کار به عنوان کتابدار در کتابخانه عمومی نیویورک، اصطلاح «بای باین» را شنیده بود. او در سال ۱۹۱۴م، برای ارجاع به خطوط هجایی فیلیپین از عبارت «الیباتا»^۷ استفاده می‌کرد، زیرا تصورش این بود که این خط‌ها از عربی قرض گرفته شده‌اند. گفته می‌شود که نام

«الیباتا» از دخل و تصرف مردم ماگوئیندانائو، واقع در فیلیپین، از لغت الیباتا برگرفته از اسامی سه حرف اول الفبای عربی به دست آمده است که مالایی‌ها آن را الیپاتا^۸ تلفظ می‌کردند: ا ب ت: الف [alif] باء [baa] تاء [taa]. متأسفانه هنوز هم بسیاری از فیلیپینی‌ها این عبارت را صحیح می‌دانند و به جای آن که خط باستانی را بای بایین تلفظ کنند، آن را الیباتا می‌نامند احتمالاً از آن رو که به عبارت «الفبا» نزدیک‌تر است (ibid، ۲۰۱۹: ۲۱).

عبارت «بای بایین» از نظر لغوی در زبان تاگالوگ به معنای «هجی کردن» است. خط بای بایین به طور گسترده توسط اسپانیایی‌ها وضع شد. نظام نوشتاری این خط، شامل مصوت‌ها و صامت‌ها است. هر نویسه در شکل ابتدایی خود، یک صامت است که به یک مصوت «A» ختم می‌شود. برای ایجاد صامت‌هایی که به سایر مصوت‌ها ختم می‌شوند، علامتی در بالای صامت (برای تولید مصوت‌های «E» و «I») یا در پایین صامت (برای تولید «O» یا «U») گذاشته می‌شود. این علامت، کودیت^۹ نامیده می‌شود. البته مصوت‌ها علاوه مخصوص به خود را دارند. فقط یک نویسه برای حرف «D» و «R» وجود دارد. به طور کلی، خط بای بایین دارای ۱۷ حرف است. این خط، حالت شکسته ندارد و هر حرف یک نویسه مجزا است.

تمایزی بین حروف بزرگ و کوچک وجود ندارد، تضادی بین حروفی که هنگام نوشتن، قلم به

سمت بالا حرکت می‌کند و حروفی که موقع نگارش، قلم به سمت پایین حرکت می‌کند وجود ندارد، از طرفی هر یک از حروف خط بای بایین منحصر به فرد هستند و همین امر حروف را از یکدیگر مجزا می‌سازد.

همانند خط ناگاری هندی نظیر دیواناگاری^{۱۰} سانسکریت، حروف بای بایین با واکه پیش فرض /a/ خوانده می‌شوند. برای همین خط بای بایین به عنوان یک خط آبوگیدا^{۱۱} در نظر گرفته می‌شود. خط بای بایین برای نوشتن یادداشتهای کوچک نظیر شعر و اعلامیه به کار میرفت. در آن زمان تاریخ به صورت متن نوشته نمی‌شد.

...مقایسه خط نستعلیق و خط بای بایین از نظر قدمت و نحوه پیدایش

پس از پذیرش اسلام توسط ایرانیان، اعراب از الفبای خطوط پهلوی استفاده کردند و الفبای خطوط کوفی و نسخ قدیم را پدید آوردند. پس از آن ایرانیان رفته‌رفته خطوط دیگری نظیر توقیع، ثلث، رقاع و غیره را به وجود آوردند و مدتی بعد دو خط ایرانی دیگر به نام‌های تعلیق و شکسته تعلیق را وضع کردند (زعیمی، ۱۳۵۶: ۳۶). درنهایت، همانطور که پیش‌تر ذکر شد، در اواسط قرن هشتم هجری با تلفیق دو خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق پدید آمد. البته برخی مورخین معتقدند شواهدی از وجود این خط پیش از تاریخ مذکور هم وجود دارد، اما اکثر قریب

به اتفاق تاریخ پیدایش این خط را همان نیمه دوم قرن هشتم هجری می‌دانند زیرا در همین هنگام بود که میرعلی تبریزی قواعد خاصی را برای این خط وضع کرد. مطابق با آنچه در پیشینه پژوهش گفته شد نیز، در خصوص خط بای بایین فیلیپینی هم آن طور که از شواهد و قرائن بر می‌آید متعلق به قرن پانزدهم میلادی است، یعنی زمانی که اسپانیایی‌ها وارد کشور فیلیپین شدند. این خط را در میان بومیان کشف کردند. بنابراین می‌توان گفت که دو خط نستعلیق و بای بایین از لحاظ قدمت، با یکدیگر برابر هستند. همچنین، با توجه به آنچه پیش‌تر گفته شد، خط نستعلیق برای نگارش متون ادبی کاربرد داشته و خط بای بایین نیز برای نوشتن شعر و متون ادبی مورداستفاده قرار گرفته است. از این جهت می‌توان ابراز داشت که این دو خط به یکدیگر شباهت دارند.

... مقایسه خط نستعلیق و خط بای بایین

از نظر شیوه نگارش

فضایی در کتاب خود با نام تعلیم خط، آثار خوشنویسی را از نظر نگارش و خوانش به سه دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از:

- رسائی و آسان‌خوان: به این معنا که خواندن حروف و کلمات ساده باشد و به راحتی بتوان به مفهوم آن‌ها پی برد و حروف به جهت زیبایی روی یکدیگر سوار نمی‌شوند و هم چنین درست‌نویسی کلمات

برای خوش‌نویس حائز اهمیت باشد.

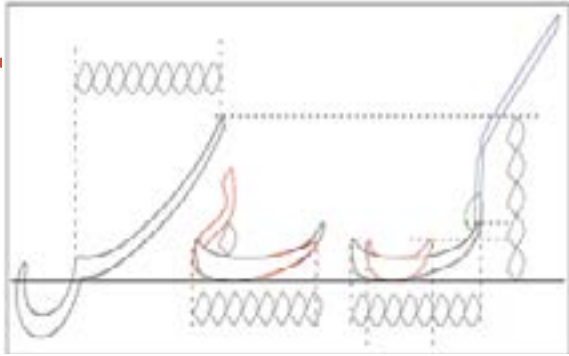
- آسان‌نویس: بدین معنا که هم مولفه ساده نویسی و هم سرعت نگارش مورد توجه قرار گیرد تا نگارنده قادر باشد متن بیشتری را در مدت زمان کوتاهی به نگارش در بیاورد، که خط نستعلیق از این حیث برجسته است.
- زیبایی منظر: بدین معنا که باید بهترین حالت ترکیب‌بندی متن مورد توجه قرار گیرد و از این رو خوش‌نویس برای آن که بتواند زیبایی اثر خود را حفظ کند مجاز است تا جایگاه کلمات در یک متن را بر هم بزند. (فضایلی، ۱۳۷۰: ۸۹)

در بخش زیر ابتدا به شیوه نگارش خط نستعلیق ایرانی می‌پردازیم و اصول و قواعد آن را بررسی می‌نماییم و سپس شیوه نگارش خط بای بایین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

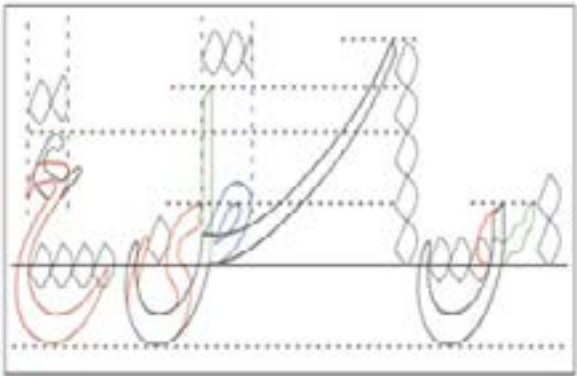
... شیوه کتابت خط نستعلیق ایرانی

اصطلاح «حسن تشکیل» که از آن با عنوان «حسن نگارش» هم یاد می‌شود، به معنای رعایت اصول نگارش است و بر اساس رسم‌الخط میرعلی، شامل چهار دسته کشیدگی‌ها، دوایر، نقطه‌ها و مفردات است (شه‌کلاهی، ۱۳۹۷: ۷۲). در بخش زیر هر یک از این طبقه‌بندی‌ها به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

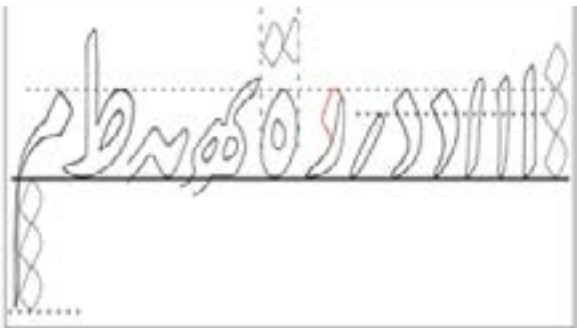
- کشیدگی‌ها شامل حروف «ب، ک، گ، ف، ی» و حرکت اول در حرف «س» هستند. حرف «ب» دارای دو شکل بلند (هشت نقطه ارتفاع)



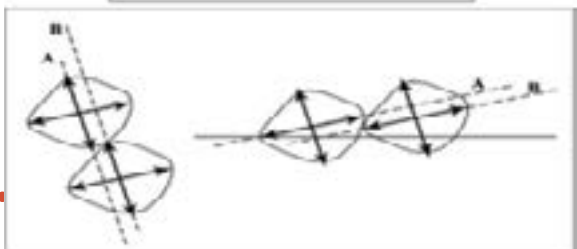
الف) قواعد حسن تشکیل حروف کشیده بر اساس رسم الخط میر علی، منبع: شه کلاهی، ۱۳۹۷: ۷۲-۷۰



ب) قواعد حسن تشکیل حروف گرد بر اساس رسم الخط میر علی، منبع: همان



ت) قواعد حسن تشکیل حروف در نقطه‌های تکی و دوتایی بر اساس رسم الخط میر علی، منبع: همان



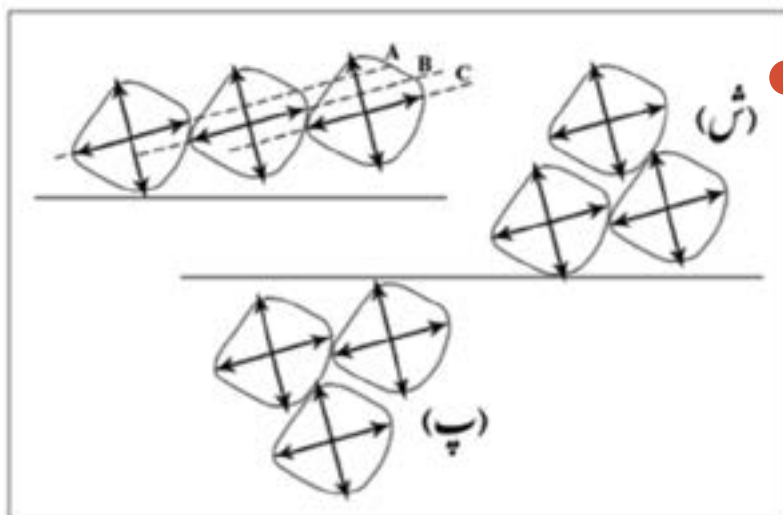
ت) قواعد حسن تشکیل حروف در نقطه‌های تکی و دوتایی بر اساس رسم الخط میر علی، منبع: همان

و کوتاه (دو نقطه ارتفاع) است. نوک حرف «ب» حدود نیم نقطه بلندتر نوشته می‌شود. حروف «ک»، «ف»، «ی» معکوس با دو حرکت قلم نوشته می‌شوند. تمامی حروف «گ» با یک سرکش و مشابه «ک» نوشته می‌شوند. سرکش‌ها دارای شیب زیادی هستند. کشیدگی حروف «ف» و «ک» هم هشت نقطه می‌باشد.

• دوایر شامل حروف گرد که شامل «ن»، «ق»، «ص»، «ل»، «ی»، «ح»، «ع»، «س»، و حرکت دوم «س» کشیده است. حروف گرد البته به استثنای حرف «ن» با دو یا چند حرکت قلم نوشته می‌شوند.

• مفردات که شامل حروف «الف»، «د»، «ر»، «و»، «ه»، «ط»، و «م» می‌باشد. ارتفاع حرف «الف» به اندازه سه نقطه است.

• نقطه‌ها که کمتر از پهنای قلم هستند، گوشه‌هایشان تیزی ندارد و دارای انحناهای متفاوتی هستند. نقطه‌های دوتایی معمولاً به صورت مجزا و با فاصله و گاهی هم به شکل پیوسته نوشته می‌شوند.



ث) قواعد حسن تشکیل حروف در نقطه‌های سه‌تایی بر اساس رسم‌الخط میر علی، منبع: شه‌کلاهی، ۱۳۹۷: ۷۲-۷۰

تصویر ۱: شیوه کتابت خط نستعلیق ایرانی بر اساس رسم‌الخط میر علی تبریزی، منبع: شه‌کلاهی، ۱۳۹۷: ۷۲

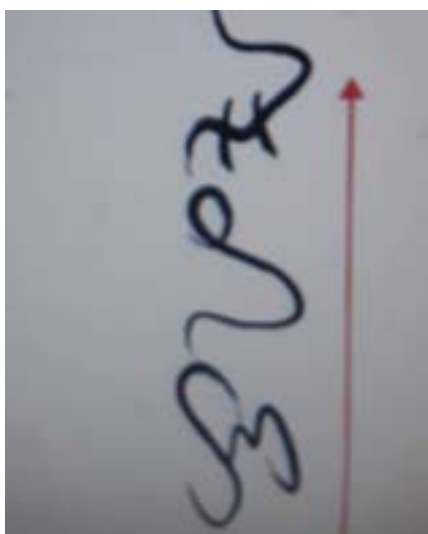
... شیوه کتابت خط بای باین فیلیپینی

دو سبک نگارشی برای خط بای باین وجود دارد:

- سبک موسوم به «پیش از استعمار اسپانیایی‌ها»: در فرم اصیل بای باین، یک صامت واحد (یعنی صامت‌هایی که به هیچ مصوتی ختم نمی‌شوند) را نمی‌توان به صراحت نشان داد؛ برای همین، این قبیل صامت‌ها، اصلاً نوشته نمی‌شدند و خواننده مجبور بود صامت‌های جا افتاده را به واسطه متن پر کند. برای مثال، حروف «n» و «k» در لغتی نظیر bundók به معنای کوهستان حذف می‌شدند.

- سبک موسوم به «ویرما کودلی»^{۱۲}: سبک نگارشی اصلی خط بای باین برای کشیشان اسپانیایی که می‌خواستند به ترجمه کتاب‌ها پردازند، مشکل بود. برای همین، فرانسیسکو لویز^{۱۳} در سال ۱۶۰۲م، سبک کولدیت را


مطرح کرد که به صورت a+ یک نویسه بود. این سبک چیلپا مانند دقیقاً همانند خط مورب ویراما در خط هندی داوانگاری^{۱۴} مطابقت داشت. یکی از راه‌های نگارش خط بای باین حکاکی نویسه‌ها بر روی بامبو با خنجر بود. معمولاً نویسنده از پایین حروف شروع می‌کند و به سمت بالا می‌رود و بعد به سمت چپ منحرف می‌شود همانند شکل زیر:



تصویر ۲: نمونه‌ای از نگارش حروف از پایین به بالا در خط بای باین منبع: نگارنده








(ت) قواعد حسن تشکیل حروف در نقطه‌های تکی و دوتایی بر اساس رسم‌الخط میر علی.
(منبع: همان)

همچنین صامت‌هایی نظیر () «Ra» نیز به صورت کشیده نوشته می‌شوند. هم‌چنین تمامی حروف خط بای بایین به شکل مفرد و منحصر به فرد نوشته می‌شوند و برخلاف خط نستعلیق اتصال و پیوستگی بین حروف وجود ندارد.

... نتیجه‌گیری

جایگاه خوشنویسی در میان شاخه‌های گوناگون هنری در ایران بسیار برجسته و ممتاز است. بنا به آنچه در این مقاله گفته شد، مطالعات میان فرهنگی در زمینه خط و خوشنویسی می‌تواند به گسترش روابط دوستانه با سایر کشورها و به اشتراک‌گذاری فرهنگ و هنر ایرانی کمک کند. پیدا کردن اشتراکات و افتراقات فرهنگی، یکی از آن نکته‌هایی است که در عمق بخشیدن به روابط صلح‌آمیز و متقابل با سایر ملل موثر است. از این‌رو، پژوهش پیش‌رو با هدف یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌های دو خط

اما وقتی که خط بای بایین بر روی کاغذ نوشته می‌شد از چپ به راست بود. با این حال، به نظر می‌رسد که حروف با توجه به نظر نویسندگان در جهات مختلفی نوشته می‌شدند. اسپانیایی‌ها هم به این دلیل و هم به دلیل اینکه بعضی حروف در هنگام نگارش کلمات حذف می‌شدند تصمیم گرفتند تا خط بای بایین را تغییر دهند. در نتیجه در قرن شانزدهم، این خط رفته‌رفته به فراموشی سپرده شد.

در خصوص مقایسه این دو خط از نظر شیوه نگارش می‌توان بیان داشت که خط بای بایین برخلاف خط نستعلیق، فاقد نقطه است. اما دوایر در این خط وجود دارند و برای نگارش چند حرف از دوایر استفاده می‌شود و این حروف گرد هستند. برای مثال همانطور که در شکل ۱ مشهود است حروف () «Wa»، () «B»، () «Na» کاملاً به صورت گرد نوشته می‌شوند. مصوت‌هایی نظیر () «E/I»، () «O/U» و

نستعلیق ایرانی و بای بایین فیلیپینی انجام شد. در وهله نخست، نگارنده به بررسی قدمت و چگونگی پیدایش این دو خط پرداخت که یکی مربوط به بخش جنوب غربی آسیا (خط نستعلیق) و دیگری متعلق به آسیای شرقی بود (خط بای بایین). نتایج بررسی‌ها نشان داد که به لحاظ زمانی این دو خط، هر دو از قرن پانزدهم میلادی پدید آمدند. خط نستعلیق در نیمه دوم قرن هشتم هجری از ترکیب دو خط نسخ و تعلیق به وجود آمد و یکی از اولین خطوط کاملاً ایرانی محسوب می‌گردد. در مورد خط بای بایین هم مشخص شد که مبلغین مذهب کاتولیک که اسپانیایی بودند و پس از استعمار فیلیپین وارد این کشور شده بودند، با این نظام نوشتاری آشنا گردیده و در صدد یادگیری آن برآمدند و البته به دلیل قواعد تقریباً پیچیده این خط از جمله حذف برخی حروف، تلاش کردند تا بومیان را به تغییر این خط وادار کنند. در خصوص مباحث ریشه‌شناختی نیز مشخص شد که ریشه خط نستعلیق به خط کوفی باز می‌گردد و پس از تغییرات گسترده در آن، خط نستعلیق که از ویژگی‌های ایرانی برخوردار بود پدید آمد. در مقابل، ریشه خط بای بایین به زبان سانسکریت و برهمایی مرتبط می‌شود. در بخش نهایی این مقاله نیز در خصوص شیوه نگارش دو خط مذکور بحث و بررسی صورت گرفت و مشخص شد که خط نستعلیق از راست به چپ نوشته می‌شود،

اما خط بای بایین اگر بر روی کاغذ نوشته شود از چپ به راست نگاشته می‌شود و البته گاهی در جهات دیگری اعم از پایین به بالا هم نوشته می‌شود. یکی دیگر از تفاوت‌های بین خط بای بایین و نستعلیق آن است که خط نستعلیق از نظر شکل ظاهری دارای چهار طبقه‌بندی از جمله کشیدگی‌ها، مفردات، دوایر و نقطه‌ها می‌باشد. حال آنکه خط بای بایین فاقد نقطه است. اما از نظر دوایر و کشیدگی‌ها شباهت‌هایی به خط نستعلیق دارد. در مجموع می‌توان اظهار کرد که بررسی چنین اشتراکات و تمایزهایی می‌تواند به هنرمندان این دو کشور کمک کند تا با هنر بومی خوشنویسی کشور خود آشنایی بیشتر پیدا کرده و در احیای آن بکوشند.

پی‌نوشت

۲. Baybayin
۳. Insulindia
۴. Brahmi
۵. hieroglyphic
۶. Dean Paul R. Verzosa
۷. Alibata
۸. Alipbata
۹. Kudit
۱۰. Devanagari
۱۱. abugida
۱۲. Spanish priests
۱۳. Francisco Lopez
۱۴. Devanagari

- اللهیاری، عابدین پور، فریدون، وحید (۱۳۸۹)؛ علل تحول خوشنویسی و پیوند آن با هویت ایرانی در دوره صفوی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴۳، ۱۸۴-۱۵۹.
- توسلی، خرمی، حامد، مریم (۱۳۹۸)؛ زیبایی‌شناسی خط نستعلیق شیوه غربی و شیوه شرقی (قرن نهم هجری)، مبانی نظری هنرهای تجسمی، ۴(۲)، ۱۱۴-۱۰۳.
- جباری، صداقت (۱۳۸۷)؛ تکوین و تطوّر خط نستعلیق در سده هشتم و نهم هجری قمری، هنرهای زیبا، ۳۳، ۸۴-۷۷.
- ذکرگو، امیرحسین (۱۳۸۴)؛ لهجه نستعلیق (نظریه تاثیر لهجه‌ها در شیوه‌های خوشنویسی و مطالعه تطبیقی خط نستعلیق در ایران و شبه قاره هند)، فصلنامه هنر و معماری گلستان هنر، شماره ۲، ۱۲۵-۱۱۶.
- رفیعی، مجنون (۱۳۷۲)؛ سوادالخط در: کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی به کوشش نجیب مایل هروی، نشر: آستان قدس رضوی، مشهد.
- زعیمی، خسرو (۱۳۵۶)؛ خوشنویسی و کتابت. ایران و اسلام، نشریه هنر و مردم، شماره ۱۸۱
- شه کلاهی، فاطمه (۱۳۹۷)؛ قواعد رسم‌الخط میرعلی تبریزی بر اساس نسخه خسرو و شیرین نظامی (محفوظ در گالری فریر- ۸۰۸ هجری)، باغ نظر، (۶۱)، ۷۶-۶۵.
- فضائی، حبیب الله، (۱۳۸۷)؛ تعلیم خط، تهران: سروش.
- کاسپور، چارئی، هدا، عبدالرضا (۱۳۹۸)؛ مطالعه تطبیقی شکل نقطه در خط نستعلیق به شیوه سنتی با اجرای نقطه در تحریرات رایانه‌ای، فصلنامه نگره، (۵۱)، ۱۴، ۱۲۳-۱۱۳
- POTET, J. P. G. (2019), Baybayin, the Syllabic Alphabet of the Tagalogs.
- Rodriguez, R. F. (2013), Early writing and printing in the Philippines, Academic, History and Philosophy of the Language Sciences, Np,10.